آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی

# ویژگی‌های مهم شخصیتی علامه طباطبایی رحمه‌الله‌علیه

در آستانه سالگرد عالم بزرگواری هستیم و باید به ویژگی‌هایی که در وجود مقدس ایشان بود، توجه کنیم. بنده پنج‌سال در درس تفسیر و اسفار ایشان افتخار حضور داشتم. از لحاظ معنوی، ویژگی‌های فراوانی در وجود ایشان منعکس بود. طوری مفاهیم و مضامین آیات قرآن در روح ایشان اثر کرده بود که وقتی تفسیر قرآن می‌گفتند، مثل این بود که آن مفاهیم و مضامین در ایشان تجسم داشت. به آیات عذاب که می‌رسید، گاهی دستمالی را از جیبش درمی‌آورد. جلوی چشمش می‌گرفت و گریه می‌کرد. معانی آیات قرآن را تجسم می‌بخشید.

**• توجه ویژه به اهل‌بیت علیهم‌السلام**

از لحاظ ولایت در حد بسیار بسیار کامل و بالا بود. روزهایی که مجالس عزا برپا می‌شد، می‌دیدم که صبح زودتر از همه، عصازنان می‌رود و گوشه‌ای از مجلس می‌نشیند. تا آخر مرثیه‌خوان‌ها، روضه‌خوان‌ها و مبلغان می‌نشست و بعد می‌رفت. به‌اندازه‌ای در معنویات قوی بود که در ماه مبارک رمضان که روزه می‌گرفت، قبل از افطار به حرم می‌آمد و زیارت حضرت معصومه علیهاالسلام را می‌خواند و بعد ضریح را می‌بوسید. افطارش بوسیدن ضریح حضرت معصومه علیهاالسلام بود.

**• تواضع در برابر شاگردها**

درس و حرکات و سکنات ایشان برای ما واقعاً یک درس اخلاق بود. تکرار هم داشت به این‌که «برکة‌العلم» در تعظیم استاد است. ما هم در تکریم ایشان، از این حدیث خیلی بهره می‌گرفتیم. می‌بینیم یکی از شاگردان ایشان، آیت‌الله شهید مطهری رحمه‌الله‌علیه بودند که در نوشته‌هاشان هر وقت اسم آیت‌الله طباطبایی رحمه‌الله‌علیه را می‌برند، می‌گویند: «آیت‌الله طباطبایی (روحی له‌الفدا) به‌خاطر دارم که جلسه‌ای تبلیغی در نیشابور در فصل تابستان بود. من منزل حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد موسوی بودم. گفتند: امروز آیت‌الله طباطبایی رحمه‌الله‌علیه می‌آیند تا از این‌جا به سبزوار بروند و برگردند. نزدیک ظهر آمدند. آیت‌الله مطهری رحمه‌الله‌علیه به‌علت احترامی که نسبت به ایشان می‌کرد ـ و برای ما درس بود ـ پشت سر ایشان حرکت می‌کرد. ایشان وارد که شدند، بدون اجازه ایشان ننشست. وقتی ایشان حرکت می‌کرد که برود وضو بگیرد، آیت‌الله مطهری رحمه‌الله‌علیه جلوتر می‌رفت کفش ایشان را جفت کند. وقت وضو، عمامه‌شان را برمی‌داشت. سپس عبا را روی دستش می‌گرفت تا وضوی ایشان تمام شود؛ جلو می‌آمد و با احترام عبا را به دوش ایشان می‌انداخت و عمامه را به سر ایشان می‌گذاشت.

یک روز در جلسه درس آیت‌الله طباطبایی رحمه‌الله‌علیه بودیم. یک نفر آشنا آمد و شیشه عطری به ایشان تقدیم کرد. ایشان گرفتند و تشکر کردند. آمد جلو و شیشه را باز کرد و خواست به لباس آیت‌الله طباطبایی رحمه‌الله‌علیه بمالد. آیت‌الله طباطبایی رحمه‌الله‌علیه گفت: «نه نه! من

دو سال است از آن تاریخ که استاد من آقای قاضی رحمه‌الله‌علیه از دنیا رفته، عطر نزده‌ام.» حدیث داریم: «برکة‌العلم فی تعظیم الاستاذ»[1]؛ برکت علم در تعظیم استاد است.

**• تفقه در دین**

آیت‌الله طباطبایی رحمه‌الله‌علیه نه‌تنها یک مفسر قرآن در سطح بسیار کامل بود، بلکه فقیه بود، اصولی بود، فیلسوف بود. ایشان حاشیه‌ای بر کفایه دارد که اگر کسی مطالعه کند، می‌بیند که این عالم در اصول در چه سطحی بوده است. از تمام جهات نابغه و از نوادر روزگار و از نوابغ اسلام بود. تفسیر ایشان خیلی مهم است. باید با آن تفسیر خیلی آشنا باشیم. ایشان براساس «القرآن یفسر بعضه بعضا»،[2] این تفسیر را تدوین کرده و نوشته و گفته است. فقهی که فعلاً می‌گوییم، اصطلاح مستحدث در احکام عملی انسان است؛ ولی فقه در قرآن، در لغت، در اخبار، فهم کامل تمام ابعاد اسلام می‌شود.

«تفقه در دین» می‌تواند در ده بُعد از «فقه اصطلاحی» بیان شود که هریک از این‌ها، فصل بسیار مبسوطی است:

اول: معارف فقهی در علم کلام، توحید، شناخت خدا، صفات خدا؛
دوم: معارف فقهی در احکام عبادی اسلام؛
سوم: معارف فقهی در احکام اخلاقی اسلام؛
چهارم: معارف فقهی در احکام اقتصادی اسلام؛
پنجم: معارف فقهی در امور اجتماعی اسلام؛
ششم: معارف فقهی در فرهنگ علمی اسلام؛
هفتم: معارف فقهی در فرهنگ فقهی؛
هشتم: معارف فقهی در قضای اسلام؛
نهم: معارف فقهی در سیاست اسلام؛
دهم: معارف فقهی حکومت اسلام.

آخر معارف فقهی در جهاد اسلام (جهاد غیر از جنگ) است. تفسیر المیزان کتابی بسیار مهم و در حقیقت یک دائرةالمعارف اسلامی است؛ چون تمام امّهات و اصول احکام اسلام را بیان کرده و در یک جلسه نمی‌توان حق مطلب را از جهت وسعتی که دارد، بیان کرد. برای نمونه دو آیه از قرآن را می‌گویم. ببینید واقعاً چه دریایی است!

**• نمونه‌ای از دقت نظر علامه طباطبایی رحمه‌الله‌علیه در تفسیر آیات**

ایشان با دقت نظر زیادی آیات قرآن را رسیدگی می‌کرد که در بیست جلد تفسیر المیزان منعکس است.

اول: ایشان ذیل آیه ۱۰۲ سوره بقره: ﴿وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ﴾، می‌گوید: یک میلیون و ۲۶۰ هزار احتمال در این آیه وجود دارد! این یک نمونه است که یک شخص چه‌قدر باید از لحاظ فکر دقیق باشد و در چه سطحی باشد که بتواند، آیات قرآن را با این مزایا تفسیر کند.

دوم: آیه ۲۰۰ و آخرین آیه از سوره آل‌عمران: ﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا اِصبِروا وَصابِروا وَرابِطوا واتَّقوا اللهَ لَعَلَّكُم تُفلِحون﴾: ایشان در مورد این آیه، ۱۵ مطلب در پنجاه صفحه نوشته است. در هیچ آیه‌ای ایشان پنجاه صفحه ننوشته است. این آیه را طوری تفسیر می‌کند که با تمام دنیا و تمام تمدن‌ها صحبت می‌کند و امتیاز قرآن را بر تمام فرهنگ‌ها و تمدن‌ها که در طول تاریخ بوده و هست، بیان می‌کند و مزیت قرآن را بر تمام علوم ثابت می‌کند.

منبع: سخنرانی در دوازدهمین همایش اساتید تفسیر قرآن
در بیت مرحوم علامه سیدمحمدحسین طباطبایی

**• پی‌نوشت‌ها**

۱. اثنی‌عشریه به‌نقل از رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام شرح نراقی؛
۲. بحارالانوار، ج ٥٤، ص۲۱۸؛

آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی

# در فرهنگ قرآن کریم مهم‌ترین حق، حقّ توحید است؛ نه حق حیات

آنچه در ایّام سالگرد رحلت علامه طباطبایی رحمه‌الله‌علیه مطرح است، این است که این بزرگوار خودش متخلّق به اخلاق الهی بود و تفسیر نورانی المیزان گذشته از آن صبغه‌های علمی، صبغه اخلاقی ویژه‌ای دارد که این بزرگوار در احیای این روش و منش سهم به‌سزایی دارد. اخلاق مهم‌ترین عامل سعادت یک ملّت است. قرآن کریم بهشت را معرّفی کرد، اوضاع بهشت و بهشتیان معرّفی کرد، مردانی که متمدّنانه با فرهنگ اسلامی بهشت‌گونه زندگی می‌کنند، آن را هم معرّفی کرد، این دو بخش؛ یعنی بهشت و رمز و راز بهشت از یک سو، تمدّن بهشتیان و فرهنگ بهشت‌مداران در دنیا از سویی دیگر. در قبال این دو امر، دو امر دیگر هم مطرح فرمود: یکی دوزخ و احکام دوزخ و روابط دوزخیان، دوم، فرهنگ منحط دوزخیان در دنیا و روش ددمنشانه دوزخیان در دنیا؛ مجموعه این چهار بخش را فن اخلاق به عهده دارد؛ اخلاق گاهی به‌صورت جنود عقل و جهل مطرح می‌شود، گاهی به‌عنوان زاد مسافر مطرح می‌شود، گاهی هم، به عناوین دیگر خود را نشان می‌دهد. در قرآن کریم جریان بهشت به‌عنوان اینکه ﴿لاَ لَغْوٌ فِيهَا وَلاَ تَأْثِيمٌ﴾[1] مطرح شد؛ همه «نِعَم» در بهشت هست، لغو و سخن باطل و کار ناصواب در بهشت نیست و هیچ بهشتی نسبت به بهشتی دیگر کینه‌ای ندارد، این مطلب اول.

مطلب دوم فرهنگ و تمدّن قوی و قوی مردان بهشتی‌منش است که در دنیا از ذات أقدس الهی چنین می‌طلبند: ﴿لاتجْعَلْ فی قُلُوبِنا غِلاًّ لِلَّذینَ آمَنُوا﴾؛ خدایا! ما را از گزند و آسیب و بداخلاقی حفظ بکن که بد کسی را نخواهیم! عقب‌افتادگی کسی را رضایت ندهیم! ﴿لاتجْعَلْ فی قُلُوبِنا غِلاًّ لِلَّذینَ آمَنُوا﴾؛[2] این زندگی متمدّنانه بهشت‌منشانه است.

امر سوم و چهارم این است، در جریان دوزخ فرمود: دوزخیان طوری هستند: ﴿كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا﴾؛[3] فرهنگ منحط و بداخلاقی دوزخیان در دنیا هم همین است؛ به او دیگر دروغ می‌گوید، خیانت می‌کند،(به همدیگر) اعتماد ندارند و مانند آن. اخلاق این تربیع را از نظر دور نمی‌دارد و عالمانه این اقسام چهارگانه را مشخص می‌کند؛ زیرا زندگی به اخلاق وابسته است و قرآن کریم که وجود مبارک پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خُلق او همین قرآن بود؛ «كانَ خُلُقُه القُرْآنَ». در آغاز نزولش مردم را به اخلاق دعوت کرده است. طبق نقل معروف، اولین بخشی از قرآن که نازل شد، همین آغاز سوره مبارکه «علق» است: ﴿اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ* الَّذی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ* عَلَّمَ الْإِنسانَ ما لَمْ يَعْلَمْ﴾[4] در همین بخش پایانی

سوره مبارکه «علق» فرمود: ﴿أَ لَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللهَ يَرى﴾؛[5] انسان را به ادب و حیا و اخلاق دعوت کرده است. قبل از مسئله إنذار به دوزخ و قبل از مسئله عذاب، سخن از اخلاق مطرح است؛ نفرمود: اگر بد کردید، جهنّم می‌روید؛ فرمود: مگر نمی‌دانید خدا می‌بینید؟! ﴿أَ لَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللهَ يَرى﴾! این فضیلت اخلاقی که در آغاز نزول قرآن کریم مطرح بود، در تمام این آیات و سُوَر خود را نشان می‌دهد تا در بخش‌های پایانی قرآن کریم؛ لذا حضرت فرمود: من آمدم که اخلاق را تتمیم کنم. اصرار مرحوم علامه رحمه‌الله‌علیه این است که فرهنگ قرآن این است که هم، اخلاق را تبیین می‌کند و هم، حیات را تشریع می‌کند. در نزد مردم حیات، مهم‌ترین حق جامعه است؛ ولی بیان علامه این است که در فرهنگ قرآن کریم، مهم‌ترین حق، حقّ توحید است، نه حق حیات؛ زندگی بی‌توحید، این حق نیست، این بهره موجودات دیگر است.

مهم‌ترین حقی که انسان دارد، حق توحید است و اخلاق، در حقیقت همان خلقتسازی است که به‌صورت بیان خُلق درآمده است. ما بعد از مرگ بدنی داریم، در ساحره قیامت بدنی داریم، در بهشت هم بدنی داریم، همین ما هستیم و همین بدن است؛ منتها به‌صورت‌های گوناگون درمی‌آید؛ ذرّه‌ای از بدن دنیا کم نیست. انسان با همین بدن دنیا در برزخ و ساحره معاد و قیامت می‌آید؛ لکن همین بدن گاهی زیبا می‌شود و گاهی زشت، این زیبایی و زشتی که یک نحوه خلقت است، با خلق ما ساخته می‌شود.

در قرآن کریم آیه‌ای است که مضمونش این است: بعضی روسفید و سفیدروی و بعضی روسیاه و سیه‌روی محشور می‌شوند. این زیبایی و زشتی، پلشتی و زیبایی یک نحوه خلقتی است که با اخلاق ما درست می‌شود؛ اگر کسی بخواهد زیبا مشهور شود، به ادب، اخلاق و فقه او بستگی دارد. به ما گفتند: هنگام وضو گرفتن، وقتی صورت را می‌شویید، بگویید: «اللّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِی يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيهِ الْوُجُوهُ وَ لاَتُسَوِّدْ وَجْهِی يَوْمَ تَبْيَضُّ فِيهِ الْوُجُوهُ»؛[6] این یک نحوه خُلقی است که با اخلاق ساخته می‌شود. درست است که بعضی در قیامت زیبا هستند و برخی زشت؛ ولی زیبایی را انسان می‌سازد. با خُلق خوب، آن خُلق خوب شکل می‌گیرد. با خلق بد، آن خلقت بد شکل می‌گیرد. بنابراین ما هستیم که با رعایت اخلاق، بدن خوب و زیبا می‌سازیم. ما هستیم که با عدم رعایت اخلاق، بدن بد می‌سازیم. سهم وجود مبارک پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله این بود که جامعه را متخلّق بار بیاورد و اولین دستوری هم که داد، دستور حیا بود که ﴿أَ لَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللهَ يَرى﴾ و مهم‌ترین حقی را که قرآن برای انسان قائل بود، حق حیات بود که فن اخلاق، این حقّ حیات را اصل قرار می‌دهد.

قرآن کریم مسئله تزکیه را که سهم تعیین‌کننده‌ای در اخلاق دارد، مطرح فرمود؛ گاهی تعلیم را قبل از تزکیه ذکر می‌کند به‌عنوان اینکه مقدمه تزکیه است، گاهی تزکیه را قبل از تعلیم ذکر می‌کند که مقدم بر تعلیم است و این، بدون فن اخلاق نمی‌شود؛ لکن نکته‌ای که در برخی از خطبه‌های نهج‌البلاغه و همچنین آیات قرآن کریم است، این است که یک انسان متخلّق می‌کوشد، فضایل اخلاقی را شناسایی کند و تحصیل کند؛ امّا یک کسی که بالاتر از فن اخلاق می‌اندیشد، سعی می‌کند، تمام تلاش و کوشش خود را به‌کار بگیرد که حقایق موجود آن عالم را ببیند. یک انسان متخلّق سعی می‌کند، اهل بهشت شود، یک انسان مقدّم و والا و برتر از متخلّق، سعی می‌کند که بهشت را ببیند! آن خطبه معروف از حضرت امیر علیه‌السلام که فرمود: «فَهُمْ وَالْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَآهَا فَهُمْ فِيهَا مُنَعَّمُونَ وَهُمْ وَالنَّارُ كَمَنْ قَدْ رَآهَا فَهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ»؛[7] این دو قسمت را که بیان می‌کنند، ناظر به مسئله شهود است که فوق مسئله اخلاق است که آن هم از منظر قرآن دور نبوده، از منظر پیغمبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام دور نبوده و از منظر شریف استاد علامه طباطبایی رحمه‌الله‌علیه هم دور نبوده است؛ منتها آن برای اوحدی از متخلّقانه است که سعی می‌کنند، نتیجه اعمال خودشان را هم‌اکنون در دنیا ببینند.

بنابراین ما اگر خواستیم، یک فرهنگ غنی و قوی داشته باشیم، ناچار هستیم، وضع بهشت و بهشتیان را خوب بشناسیم و همان وضع را به‌عنوان تمدّن اسلامی خوب پیاده کنیم که امیدواریم، همه شما بزرگواران به‌ویژه که در جوار مضجع ملکوتی ثامن‌الحجج علی‌بن موسی علیه‌السلام قرار دارید، مشمول این بحث‌های قرآنی شده و متخلّق به اخلاق الهی شوید و فرهنگ غنی و قوی تمدّن اسلامی را که بهشتی‌منش بودن است، احیا کنید.

«غَفَرَ اللهُ لَنَا وَلَكُمْ وَالسَّلاَمُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُه»

منبع: پیام به همایش «نوآوری های فلسفی، کلامی علامه طباطبایی»
به‌مناسبت سی‌وپنجمین سالگرد ارتحال علامه طباطبایی رحمه‌الله‌علیه

**• پی‌نوشت‌ها**

۱. سوره طور، آیه۲۳؛
۲. سوره حشر، آیه۱۰؛
۳. سوره اعراف، آیه۳۸؛
۴. سوره علق، آیه۳ و۴ و ۵؛
۵. سوره علق، آیه۱۴؛
۶. من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۴۲؛
۷. نهج‌البلاغه (للصبحی صالح)، خطبه۱۹۳.

# مدرس عالی تفسیر و دارالقرآن علامه طباطبائی رحمه‌الله‌علیه

بیت شریف علامه سید محمدحسین طباطبائی رحمه‌الله‌علیه در شهر مقدس قم، اکنون به مرکز علمی و آموزشی جهت نشر معارف و ارزش‌های قرآن کریم تبدیل شده است.

این مکان پربرکت بیش از یک دهه، محل عبادت و تهجد و تلاش‌های علمی این عارف واصل قرار گرفته که تفسیر وزین و کم‌نظیر المیزان از ثمرات حیات ارزشمند علامه در این خانه قرآنی بوده است.

در طول سالیان حضور علامه طباطبائی رحمه‌الله‌علیه در این بیت شریف، علما و اندیشمندان بزرگی همچون علامه شهید مرتضی مطهری رحمه‌الله‌علیه و جمع کثیری از علما و مراجع حال حاضر جهان تشیع، خدمت ایشان رسیده و از محضر این حکیم الهی کسب فیض نموده‌اند.

آنچه مسلم است، اخلاص و حیات نورانی علامه باعث تأثیر فراگیر و ماندگاری تألیفات و آثار متعدد ایشان شده است.

بیت شریف علامه رحمه‌الله‌علیه به‌عنوان یادبود ارزشمند ایشان با همت خیران محترم و با حضور و حمایت مستمر مراجع معظم حضرات آیات مکارم شیرازی، نوری همدانی، سبحانی، جوادی آملی و دیگر مراجع و علمای اعلام، اکنون به‌عنوان مدرس عالی تفسیر و دارالقرآن علامه طباطبائی رحمه‌الله‌علیه نام‌گذاری و معرفی شده است.

این بنای خیر در سال‌های اخیر، محل برگزاری دروس تفسیر قرآن کریم و مکانی جهت درس و بحث طلاب حوزه علمیه قرار گرفته است.

برگزاری درس تفسیر با محوریت تفسیر شریف المیزان، تفسیر مجمع البیان و تفسیر موضوعی و تطبیقی قرآن کریم، از مهمترین برکات دارالقران علامه طباطبایی رحمه‌الله‌علیه می‌باشد.

از دیگر فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی این مجموعه فاخر، می‌توان به برگزاری دروس خارج فقه و اصول، درس اخلاق، تدریس آثار مرحوم علامه طباطبایی رحمه‌الله‌علیه، تأسیس کتابخانه تخصصی، ایجاد کرسی‌های مشاوره علمی و پژوهشی به طلاب و ... اشاره نمود.